

گورستان عصر آهن لویزان

دکتر امیر صادق نقشینه*

* استادیار گروه باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابهر

چکیده

در شمال شرقی تهران بزرگ و در ناحیه لویزان امامزاده‌ای به نام "امامزاده پنج تن" وجود دارد. این امامزاده بر روی تپه‌ای طبیعی واقع است که از دامنه‌های آن به عنوان گورستان استفاده می‌شود. در بازدیدی که در سال ۱۳۷۲ از این امامزاده و گورستان اطراف آن به عمل آمد؛ تعدادی تکه سفال جمع‌آوری شد که احتمالاً در اثر ایجاد گورهای جدید از خاک خارج شده بودند. این سفال‌ها دارای مشخصات سفال-های عصر آهن هستند و شباهت زیادی با سفال گورستان‌های عصر آهن منطقه شمیران در شمال تهران دارند. به نظر می‌رسد از این تپه طبیعی در عصر آهن نیز به عنوان گورستان استفاده می‌شده است و می‌توان این محوطه را به عنوان یکی از گورستان‌های متعدد این دوره در کوهپایه‌های شمال تهران در نظر گرفت.

واژگان کلیدی: تهران، لویزان، امامزاده پنج تن، گورستان، سفال عصر آهن.

درآمد

در سال ۱۳۷۲ حمیده چوبک به اتفاق چند تن از باستان‌شناسان بازدید از محوطه «امامزاده پنج تن لویزان» به عمل می‌آورد. علت انجام این بازدید، مطالعه و تحقیق درباره امامزاده و بنای آن نبود؛ بلکه هدف بررسی شواهد موجود از یک گورستان باستانی در محل بود. در طی این بازدید تعدادی قطعات سفالین از اطراف امامزاده جمع‌آوری و به اداره کل میراث فرهنگی

وقت استان تهران تحویل می‌گردد^۱. در گزارش مقدماتی تهیه شده از این بازدید نیز به وجود گورستانی باستانی در محدوده اطراف امامزاده پنج تن لویزان اشاره و تاریخ «اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول پ.م» برای آن مطرح می‌شود. همچنین پیشنهاد می‌گردد که گورستان باستانی کاوش و در محل آن یک «موزه گورستان» ایجاد شود. در این گزارش احتمال داده شده که وسعت گورستان باستانی بیشتر از محدوده امامزاده بوده

۱- در حال حاضر این سفال‌ها با همکاری اداره ی کل میراث فرهنگی و گردشگری استان تهران به موزه ی ملی ایران انتقال یافته و در بخش سفال این موزه نگهداری می‌شود.

امام زاده پنج تن

در محدوده روستای قدیمی لویزان و در منطقه شمیران (نقشه ۱)، امامزاده‌ای معروف به «امامزاده پنج تن» وجود دارد که بر روی یکی از تپه‌های مجاور روستا قرار گرفته است. هر چند که نام امامزاده گویای دفن پنج نفر در این آرامگاه است؛ ولی بر پایه زیارت نامه آرامگاه، چهار برادر به نام‌های سالم، ابوطالب، رضا و رحیم، پسران شیث فرزند کاظم فرزند علی ابن الحسین زین العابدین (ع) در آنجا دفن شده‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۱: ۲۳۹).

بنای امروزی امامزاده، ساختمانی نوساز و بزرگ است که ساخت آن کاملاً به پایان نرسیده است؛ ولی تا چندی پیش بنایی کوچک و ساده در محل آن وجود داشته است. ظاهراً اصل این بنا بقعه‌ای چهارگوش با پوششی گنبدی شکل بوده که تاریخ ساخت آن معلوم نیست و سپس در دوره قاجار چهار ایوان ساده در چهار طرف آن ایجاد شده است^۲ و روی کل بنا و از جمله گنبد آن را با شیروانی پوشانده‌اند، ابعاد خارجی بنا در این شکل جدید ۱۰×۱۰ متر و ابعاد داخلی آن ۷×۷ متر ذکر شده است (مصطفوی، ۱۳۶۱: ۲۳۹؛ ۱۳۷۸: ۲۰۵) (تصویر ۱). از جزییات دیگر این بنای قدیمی در شکل اولیه و چه در شکل تغییر یافته آن گزارشی در دست نیست و احتمالاً به علت سادگی بنا و فقدان تزیینات و خصوصیات هنری، توجه چندانی به آن نشده است. در حال حاضر نیز بنای قدیمی تخریب و در محل آن ساختمانی جدید و کاملاً متفاوت ایجاد شده است.

متأسفانه هیچ نقشه یا حتی طرح ساده‌ای از بنای قدیمی این امامزاده در دست نیست و فقط یک عکس در کتاب مصطفوی (۱۳۶۱: ۲۱ عکس بالا سمت چپ) و سه عکس در گزارش کوشانفر (۱۳۷۳: تصاویر ۳۷، ۳۹ و ۴۰) وجود دارد که همگی نمای خارجی بنا را نشان می‌دهند. در این عکس‌ها، بنای قدیمی امامزاده، نقشه‌ای مربع شکل دارد و شیروانی‌ای روی آن را پوشانده که از چهار طرف بیرون آمده و بر روی ستون‌هایی قرار

و تا حدود پارک جنگلی لویزان که در مجاورت امام زاده واقع است؛ گسترش یافته باشد و اشاره شده که وجود امام زاده مانع از گسترش ساخت و سازها و تخریب گورستان باستانی بوده ولی از طرف دیگر ایجاد قبور جدید در اطراف امام زاده خود عامل تخریب گورهای باستانی است (چوبک، ۱۳۷۲).

گزارش چوبک و سفال‌های جمع‌آوری شده توسط او، تنها اطلاعات و نشانه‌های موجود از گورستان باستانی اطراف امام زاده پنج تن لویزان واقع در شرق شمیران است. پیش از او مرحوم مصطفوی از این محل بازدیدی به عمل آورده و بنای امامزاده را به اختصار معرفی کرده است (مصطفوی، ۱۳۶۱: ۲۳۹ و ۲۵۱ عکس بالا سمت چپ)، پس از آن نیز یزدان کوشانفر در سال ۱۳۷۳ از امامزاده بازدید می‌کند و در گزارش خود چند عکس و شرحی کوتاه از آن می‌آورد (کوشانفر، ۱۳۷۳: ۴۱-۳۹). ولی هیچیک اشاره‌ای حتی کوتاه به گورستان باستانی اطراف امام زاده نمی‌کنند. به نظر می‌آید آنها اصولاً متوجه وجود چنین گورستانی نشده‌اند و هیچ نشانه‌ای سطحی از چنین گورستانی وجود نداشته است. در بازدید اخیر از امامزاده و اطراف آن نیز نشانه‌های چندانی از این گورستان باستانی بدست نیامد و فقط چند قطعه شکسته و کوچک سفالی مشاهده گردید. با این وجود و بر اساس یافته‌های چوبک به نظر می‌رسد در دامنه‌های تپه‌ای طبیعی که امامزاده پنج تن در راس آن قرار دارد؛ گورستانی باستانی متعلق به عصر آهن وجود دارد که در اثر فعالیت‌های عمرانی جدید شواهد سطحی آن از بین رفته یا آنکه به علت عمق گورهای باستانی و فرسایش محدود سطح تپه، نشانه‌های کمی از گورها بر سطح تپه نمایان است. متأسفانه امروزه نیز از دامنه‌های این تپه که محدوده اطراف امامزاده را تشکیل می‌دهند برای دفن مردگان استفاده می‌شود و ظاهراً در اثر حفر همین گورهای جدید بوده که برخی از گورهای باستانی مورد تخریب قرار گرفته و قطعات شکسته ظروف سفالین داخل آنها به بیرون ریخته شده و توجه مسئولین را جلب و منجر به بازدید سال ۱۳۷۲ گردیده است. پس از آن نیز مسأله به دست فراموشی سپرده شده و تدفین مردگان و ایجاد گورهای جدید همچنان ادامه دارد.

۲- هرچند که در منابع به وجود چهار ایوان در چهار طرف این بنا اشاره گردیده ولی با توجه به قدیمی‌ترین عکس موجود (مصطفوی، ۱۳۶۱: ۲۵۱، تصویر بالا سمت چپ) به نظر می‌رسد که فضایی رواق مانند دورتادور بنا وجود داشته است.

اطراف امامزاده پنج تن لویزان در دست نیست و از آنجایی که تاکنون هیچ بررسی، گمانه‌زنی یا کاوشی در این محل انجام نگرفته، از وسعت گورستان و پراکندگی گورها، نوع و محتویات گورها، طرز تدفین مردگان، تاریخگذاری آن و غیره هیچ اطلاعی وجود ندارد. تنها چیزی که ما را از وجود این گورستان و تعلق آن به عصر آهن مطلع می‌سازد؛ قطعات شکسته و ناقص ۹ ظرف سفالین است که در بازدید سال ۱۳۷۲ جمع-آوری شده‌اند (تصویر ۳).

این ۹ ظرف سفالین هیچیک سالم و کامل نیستند (البته به استثنای یک نمونه که پس از وصالی تقریباً کامل گردیده است). با این وجود در بررسی آنها می‌توان تشخیص داد که اغلب آنها به تازگی شکسته شده‌اند و از آنجایی که اغلب آنها در قطعاتی بزرگ و قابل اتصال به یکدیگر شکسته‌اند؛ می‌توان بخش قابل توجهی از کل ظرف را بازسازی و شکل اصلی آن را مشخص کرد (طرح‌های تهیه شده به خوبی این مسأله را نشان می‌دهند: تصویر ۳). این وضعیت علاوه بر اهمیتی که در تشخیص گونه‌های شاخص و مطالعات تطبیقی دارد؛ نشانه خوبی از وجود گورستانی باستانی در محل نیز هست زیرا که معمولاً در گورستان‌هاست که بیشتر سفال‌ها سالم یا نسبتاً کامل هستند و چنین وضعیتی در محوطه‌های استقرار کمتر دیده می‌شود. از طرف دیگر در سطح تپه نیز قطعات شکسته سفالی دیده می‌شود و خود تپه هم تپه‌ای طبیعی است و در نتیجه نمی‌توان انتظار وجود یک محوطه استقرار را در محل داشت.

به این ترتیب با گورستانی باستانی مواجه هستیم که بر روی تپه‌ای طبیعی ایجاد شده و امروزه در اثر حفر گورهای جدید در محدوده آن، برخی از گورهای باستانی تخریب و محتویات داخل آنها خارج گردیده است. بطوری که اگر حفر گورهای جدید انجام نمی‌گرفت؛ شناسایی و تشخیص این گورستان باستانی بسیار مشکل می‌بود چراکه هیچ نشانه مستقیمی از آن بر سطح تپه دیده نمی‌شود و تکه سفال‌های سطحی نیز بسیار محدود و کم تعداد هستند.

از طرف دیگر ۹ ظرف سفالی موجود، همگی دارای رنگ، تکنیک ساخت، تزیینات و بطور کلی خصوصیات سفال‌های عصر آهن فلات مرکزی هستند و در نتیجه می‌توان گورستان

گرفته است. به این ترتیب دور تا دور این بنای مربع شکل فضایی رواق مانند وجود داشته است. ستون‌ها در عکس منتشره توسط محمد تقی مصطفوی مربع شکل آجری هستند؛ در حالی که در عکس‌های منتشره توسط کوشانفر، ستون‌هایی فلزی، باریک و لوله‌ای شکل دیده می‌شود. تعداد ستون‌ها نیز فرق می‌کند و در عکس مصطفوی در هر طرف چهار ستون و در عکس‌های کوشانفر در هر طرف سه ستون وجود دارد. همچنین شیروانی بنا در این عکس‌ها متفاوت است. در عکس مصطفوی، ساده و در عکس‌های کوشانفر دارای قسمت مرکزی برآمده و مرتفع تر هستند. به این ترتیب می‌توان دریافت که از زمان بازدید مصطفوی تا زمان بازدید کوشانفر تغییرات و تعمیراتی در بنا بوجود آمده است و ستون‌های اطراف و شیروانی بنا تعویض شده‌اند. احتمالاً تغییرات دیگری نیز انجام گرفته است که در تصاویر قابل تشخیص نیستند ولی آنچه مسلم است قسمت اصلی و مرکزی بنا حفظ شده و تغییری در طرح و شکل کلی بنا ایجاد نگردیده است (تصویرهای ۱ و ۲).

تغییر مهم دیگری که در طی این سال‌ها رخ داده، درخت-کاری اطراف امامزاده است. بطوری که در عکس مصطفوی فقط یک درخت در نزدیکی بنای امامزاده دیده می‌شود و اطراف آن خالی و بدون درخت است؛ در حالی که در عکس-های کوشانفر درختان متعددی در اطراف بنای امامزاده وجود دارد و سطح تپه کاملاً درخت کاری شده است. متأسفانه کاشت و رشد این درختان تاثیر نامطلوبی بر گورهای باستانی دارد. علاوه بر این در عکس‌های کوشانفر، قبور جدیدی دیده می‌شود که در اطراف بنای امامزاده ایجاد شده‌اند. اگر چه در عکس مصطفوی سنگ قبری دیده نمی‌شود و در گزارش‌های مصطفوی و کوشانفر نیز به گورستان اسلامی اطراف امامزاده اشاره‌ای نشده است؛ ولی می‌توان حدس زد که دفن مردگان در طی دوره‌ی اسلامی در اطراف بنای امام زاده مرسوم و معمول بوده است که این امر متأسفانه تا امروز نیز ادامه دارد و همچنان باعث تخریب گورهای باستانی می‌گردد.

گورستان عصر آهن

در حال حاضر اطلاعات چندانی از گورستان عصر آهن

دارای سه پایه کوتاه دکمه مانند در قسمت کف است. همچنین یک دکمه برجسته نیز در زیر لبه وجود دارد.

۴- قلع یا کاسه بزرگ با دو دکمه برجسته در داخل (تصویر ۳، شماره ۴): از این ظرف قطعات زیادی در دست نیست و فقط یک تکه نسبتاً بزرگ از لبه آن وجود دارد که بر اساس آن می‌توان شکل اصلی ظرف را بازسازی کرد. سفال به رنگ خاکستری روشن با شاموت شن ریز است و در خمیره آن فضاهای خالی وجود دارد. سطوح داخلی و خارجی پرداخت و تا حدودی داغدار شده‌اند با این وجود در سطح خارجی می‌توان هنوز شیارهای نسبتاً عمیق و افقی حاصل از بکارگیری چرخ سفالگری را دید. این قلع دارای دو دکمه برجسته و نزدیک به هم در سمت داخل و کمی پایین تر از لبه است.

۵- کاسه آبریزدار (تصویر ۳، شماره ۵): این ظرف به شکل کاسه‌ای عمیق با لبه کمی برگشته و پهن است که آبریزی پهن و روباز دارد. طرف مقابل آبریز شکسته و در حال حاضر مفقود است و در نتیجه نمی‌توان تشخیص داد که ظرف در اصل دسته‌دار بوده یا بدون دسته. رنگ آن خاکستری است و سطح خارجی کمی تیره‌تر است. شاموت آن شن نرم است و برخی فضاهای خالی در خمیره وجود دارد. قسمت‌های فوقانی ظرف، خصوصاً لبه و آبریز آن، داغدار شده‌اند و یک طرح ساده داغدار شده بصورت هاشور متقاطع در زیر لبه دیده می‌شود. در زیر این طرح داغدار، شیار کننده کم عمقی ایجاد شده است.

۶- کوزه کوچک (تصویر ۳، شماره ۶): این کوزه گردنی کوتاه با لبه‌ای برگشته دارد. رنگ آن خاکستری است که در سطح خارج کمی تیره‌تر می‌شود. شاموت آن شن نرم است و برخی فضاهای خالی در خمیره آن دیده می‌شود. سطح خارجی سفال داغدار شده و طرح ساده‌ای شامل نواری از هاشور متقاطع و نامنظم بر روی شانه و خطوط پهن و کوتاه عمودی بر روی گردن بر روی شانه و گردن آن وجود دارد.

۷- کوزه دسته‌دار (تصویر ۳، شماره ۷): این کوزه دارای حداقل یک دسته بوده که محل اتصال یک سر آن بر روی شانه ظرف دیده می‌شود ولی خود دسته شکسته و مفقود است. دسته با توجه به محل نصب یک طرف آن بر روی شانه ظرف، به احتمال بسیار قوی از نوع دسته‌های حلقه‌ای عمودی بوده که

مورد نظر را به عصر آهن نسبت داد. این ظروف عبارتند از:

۱- کاسه ساده با لبه گرد و کف حلقه‌ای تو پر (تصویر ۳، شماره ۱): رنگ سفال و مغز آن خاکستری روشن است و شاموت آن شن نرم با معدودی ناخالصی‌های سفید رنگ. در خمیره آن برخی فضاهای تو خالی دیده می‌شود و هر چند که سطح آن نمک گرفته است ولی می‌توان اثرات داغدار کردن را در دو طرف لبه تشخیص داد. این ظرف فاقد هر گونه تزیینات است.

۲- کاسه دسته‌دار (تصویر ۳، شماره ۲): رنگ سفال و مغز آن خاکستری تیره است و شاموت آن شن ریز. در خمیره آن فضاهای خالی وجود دارد و دو طرف لبه کمی داغدار شده است. این کاسه گود در زیر لبه دارای دسته‌ای حلقه‌ای و عمودی بوده که در حال حاضر شکسته و از ظرف جدا شده است با این وجود محل اتصال دسته به لبه بر روی بدنه قابل تشخیص است. طرف مقابل این دسته در حال حاضر شکسته و مفقود است و در نتیجه نمی‌توان فهمید که کاسه در اصل دارای یک دسته یا دو دسته بوده ولی با توجه به نمونه‌های مشابه عصر آهن، به احتمال قوی فقط دارای یک دسته بوده است. محل اتصال دسته بر روی بدنه همچون دیگر قسمت‌های سطح ظرف، دارای رسوبات نمکی است و از همین رو می‌توان دریافت که شکسته و جدا شدن دسته در زمانی دور اتفاق افتاده و با شکستگی‌های جدید که روی آنها هیچ رسوباتی وجود ندارد؛ ارتباطی ندارد. احتمال دارد شکستن دسته در قبل از قرار دادن ظرف در گور رخ داده باشد.

۳- قلع یا کاسه بزرگ با لبه تخت و سه پایه کوتاه (تصویر ۳، شماره ۳): این ظرف سالم‌ترین و کامل‌ترین ظرف بدست آمده است. رنگ آن خاکستری مایل به سیاه و شاموت آن شن ریز تا درشت است. در خمیره آن فضاهای خالی دیده می‌شود و بر روی سطح خارجی نیز شیارهای نسبتاً عمیق افقی وجود دارد که ناشی از بکارگیری سریع چرخ سفالگری است. سطح داخلی، لبه و قسمت‌های فوقانی سطح خارجی این قلع پرداخت و داغدار شده ولی این کار با دقت و مهارت زیادی انجام نگرفته است بطوری که می‌توان در قسمت‌هایی شیارهای حاصل از بکارگیری چرخ سفالگری را دید. ظرف

ظرف ادامه داشته است.^۳

۹- پایه بلند توخالی (تصویر ۳، شماره ۹): این قطعه مربوط به ظرف بزرگ پایه‌داری بوده که قسمت فوقانی آن شکسته و در حال حاضر مفقود شده و فقط پایه آن در دست است. این پایه به شکل مخروط ناقص و تو خالی و دارای دو سوراخ کوچک در قسمت بالا است. چگونگی اتصال پایه به ظرف به علت شکستگی معلوم نیست ولی می‌توان تشخیص داد که لبه تیز شکستگی را در این قسمت تراشیده و صاف کرده‌اند. احتمالاً در دوران باستان پایه شکسته و از ظرف جدا شده است و پس از آن برای استفاده‌ای جدید از پایه شکسته، لبه تیز محل شکستگی آن را تراشیده و صاف کرده‌اند. وجود رسوبات نمکی در محل این شکستگی صاف شده نیز نشانگر قدمت این شکستگی است. خمیره سفال خاکستری و شاموت آن شن ریز همراه با برخی ذرات ناخالص سفید رنگ است. در خمیره آن نیز برخی فضاهای توخالی وجود دارد و از آنجایی که سطح آن به شدت نمک گرفته، نمی‌توان معلوم کرد که داغدار شده است یا نه.

به این ترتیب، ۹ ظرف سفالی ناقص و شکسته در دست است که از جهت ساخت، تزئین و تا حدود زیادی شکل، ویژگی‌های نسبتاً یکسانی را نشان می‌دهند. به استثناء یک نمونه (ظرف شماره ۸، کوزه با نوار برجسته عمودی بر روی شانه) که خمیره‌ای به رنگ قرمز مایل به قهوه‌ای و سطحی تقریباً سیاه رنگ دارد؛ تمامی نمونه‌ها خاکستری رنگ هستند. شاموت به کار رفته در ساخت سفال‌ها، شن نرم و ریز است که گاهی ذرات درشت‌تر شن و یا ذرات سفید رنگ بصورت ناخالصی در آنها دیده می‌شود. ولی هیچگاه از شاموت گیاهی استفاده نشده و حتی بصورت ناخالصی نیز در خمیره هیچیک از سفال‌ها مواد گیاهی دیده نمی‌شود. تمامی نمونه‌ها از پخت خوب و کافی که در حرارت بالا انجام گرفته است؛ برخوردارند. سطح ظروف

۳- در برخی از کوزه‌های لوله دار عصر آهن، نواری برجسته بر روی شانه ظرف درست در طرف مقابل لوله وجود دارد که دقیقاً در محل دسته ظرف قرار می‌گیرد و ظاهراً شکل ساده شده دسته است. نوار برجسته روی نمونه لویزان نیز می‌تواند از این نوع نوارهای جانشین دسته باشد که در این صورت قطعات شکسته متعلق به یک کوزه ی لوله دار هستند. البته نوارهای برجسته بصورت تزئین بر روی ظروف دیگر عصر آهن نیز دیده می‌شوند ولی از آنجایی که قطعات کمی از این ظرف در دست است؛ نمی‌توان شکل و نوع دقیق آن را معلوم کرد.

ظرف دیگر آن بر روی لبه یا گردن ظرف نصب می‌شده است. از آنجایی که ظرف شکسته و ناقص بوده و سمت مقابل دسته مفقود شده، نمی‌توان تشخیص داد که این کوزه در طرف مقابل این دسته، دارای دسته‌ای دیگر بوده است یا خیر. رنگ سفال خاکستری نسبتاً روشن و شاموت آن شن ریز با برخی دانه‌های درشت است. در خمیره آن برخی فضاهای خالی دیده می‌شود و بر روی سطح خارجی شیارهای نسبتاً عمیق حاصل از بکارگیری چرخ سفالگری دارد. قسمت‌های فوقانی سطح خارجی داغدار شده و یک طرح ساده داغدار شامل نواری از هاشورهای متقاطع بر روی شانه و خطوط پهن عمودی بر روی گردن دارد. در وسط کف این کوزه سوراخی وجود دارد که پس از پخت سفال و با استفاده از چرخاندن وسیله‌ای تیز ایجاد شده است. عمل چرخاندن و سوراخ کردن، هم از طرف خارج و هم از طرف داخل ظرف انجام گرفته، بطوری که قطر سوراخ در سطوح داخل و خارج بیشتر از وسط آن است. ایجاد این سوراخ، شکسته شدن دسته و قسمت‌هایی از گردن و لبه ظرف می‌بایست در گذشته‌های دور و احتمالاً قبل از قرار گرفتن آن در زیرزمین اتفاق افتاده باشد چراکه در سطح سوراخ و شکستگی دسته و برخی از شکستگی‌های گردن و لبه رسوبات نمکی زیادی دیده می‌شود؛ در حالی که در برخی قسمت‌های شکسته دیگر چنین رسوباتی وجود ندارد و این شکستگی‌ها می‌بایست جدید باشند.

۸- کوزه با نوار برجسته عمودی بر روی شانه (تصویر ۳، شماره ۸): از قطعات شکسته این ظرف فقط سه قطعه آن در دست است و از همین رو قادر به بازسازی شکل کامل آن نیستیم. البته می‌توان دریافت که این ظرف در اصل یک کوزه بوده ولی جزئیات و شکل دهانه و کف آن معلوم نیست. سطح داخلی و خارجی ظرف سیاه رنگ است در حالی که مغز سفال به رنگ قرمز مایل به قهوه‌ای است. شاموت آن شن ریز با برخی ذرات ناخالص سفید رنگ است و در خمیره آن نیز برخی فضاهای خالی دیده می‌شود. سطح خارجی آن کاملاً داغدار شده و یک نوار برجسته عمودی بر روی سطح خارجی آن وجود دارد. قسمت فوقانی این نوار برجسته به علت شکستگی مفقود است ولی می‌توان احتمال داد که این نوار تا روی شانه

آنها مشابهت‌هایی دارند. برخی از این گورستان‌ها مورد کاوش - های باستان‌شناختی قرار گرفته‌اند و گزارش‌هایی از آنها منتشر شده و برخی نیز به طور تصادفی یا توسط سودجویان شناسایی و یا حفاری شده‌اند و به ندرت مدارکی از آنها در دست است.^۵ با این وجود در مقایسه سفال‌های بدست آمده از لویزان با مدارک مشابه از این گورستان‌ها، سعی خواهیم نمود پیوندهای گونه‌شناسی سفال لویزان را با سفال عصر آهن منطقه مشخص نماییم.^۶

در میان محوطه‌های عصر آهن منطقه، گورستان‌های A و B سیلک^۷ (Ghirshman, 1939)، خوروین (حاکمی، ۱۳۲۹؛ واندنبرگ، ۱۳۳۸؛ Vanden Berghe, 1964)، قیطره (کامبخش فرد، ۱۳۴۸، ۱۳۷۰، ۱۳۸۰) و جیران تپه^۸ (مجیدزاده، ۱۳۸۲)، دارای گزارش‌هایی نسبتاً مفصل و کامل‌تری هستند و در مجموع راجع به سفال این محوطه‌ها اطلاعات و داده‌های بیشتری نسبت به دیگر محوطه‌ها در دسترس بوده و از همین رو امکان بیشتری برای مقایسه یافته‌های آنها با یافته‌های گورستان لویزان فراهم است.

در میان سفال‌های لویزان، کاسه‌ها و قدها پر تعدادترین انواع ظروف هستند. از دیگر گورستان‌های شمال فلات مرکزی نیز، تعداد زیادی کاسه و قدها بدست آمده است. در این میان کاسه ساده لویزان (ظرف شماره ۱) مشابهت‌هایی با برخی نمونه‌ها از قیطره (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۹۸ شماره‌های

۵- به تازگی موسوی پژوهشی در مورد گورستان‌های عصر آهن منطقه انجام داده و تمامی اطلاعات موجود را در یک جا گردآوری و تحلیل کرده است. رک: Mousavi, 2001.

۶- البته باید توجه داشت که نمونه‌های موجود از لویزان در حال حاضر از نظر تعداد و تنوع محدوداند و تا زمان کاوش‌های علمی و گسترده امکان بررسی و مقایسه همه جانبه وجود ندارد. همچنین باید در نظر داشت که فقط ظروف سفالین لویزان را در دست داریم و فعلاً امکان مطالعه و مقایسه دیگر مواد فرهنگی وجود ندارد.

۷- به تازگی بر روی سفال‌های عصر آهن سطح تپه جنوبی سیلک مطالعاتی صورت گرفته است (فهیمی، ۱۳۸۲) ولی از آنجایی که سفال‌های مورد مطالعه عمدتاً تکه سفال‌اند؛ متأسفانه امکان مقایسه‌ای همه جانبه میان آنها با سفال لویزان وجود ندارد.

۸- جیران تپه، یکی از تپه‌های مجاور تپه ازبکی است که در پروژه حفاری ازبکی مورد کاوش قرار گرفته است. لازم به یادآوری است که از خود تپه ازبکی و برخی دیگر از تپه‌های مجاور آن، آثار متعلق به عصر آهن کاوش شده است ولی در این میان تنها آثار منتشر شده از گورستان جیران تپه مشابهت‌هایی با یافته‌های لویزان دارند.

داغدار شده و در برخی موارد طرح‌های ساده‌ای به شکل هاشور متقاطع نیز دیده می‌شود ولی داغدار کردن ظروف معمولاً با بی دقتی و عجله صورت گرفته و در نتیجه سطوحی کاملاً صاف، صیقلی و براق بوجود نیامده است.

ساخت و شکل دهی تمام سفال‌ها با چرخ سفالگری انجام گرفته است؛ اگرچه معمولاً دقت و ظرافت زیادی در این کار انجام نگرفته و سفال‌ها را با سرعت ساخته‌اند. بطور کلی همگی نمونه‌ها در زمره‌ی سفال‌های معمولی و غیر ظریف هستند و هنوز نشانه‌های بکارگیری چرخ سفالگری را به صورت خطوط افقی بر روی تعدادی از سفال‌ها می‌توان دید. بر روی سطوح برخی از نمونه‌ها، شیارهای افقی نسبتاً عمیقی وجود دارد. از طرف دیگر در خمیره تمامی نمونه‌ها فضاهایی خالی دیده می‌شود که هر دوی این موارد نشانگر سرعت در ساخت و شکل دهی ظروف با استفاده از چرخ سفالگری است.^۴

از نظر تزیینات، تنوع زیادی دیده نمی‌شود و اصولاً بیشتر نمونه‌ها فاقد تزیین و ویژگی‌های هنری بوده و فقط سه نمونه دارای طرح داغدار به شکل هاشور متقاطع بر روی شانه هستند (ظرف‌های شماره ۵، ۶ و ۷ کاسه آبریزدار، کوزه کوچک و کوزه دسته‌دار).

شکل ظروف نیز تنوع زیادی ندارد و شامل دو کاسه ساده (ظرف‌های شماره ۱ و ۲)، دو کاسه بزرگ یا قدها (ظرف‌های شماره ۳ و ۴)، یک کاسه آبریزدار (ظرف شماره ۵)، سه کوزه (ظرف‌های شماره ۶، ۷، ۸) و یک پایه بلند می‌شود (ظرف شماره ۹) و اغلب آنها در زمره اشکال متداول عصر آهن هستند. احتمالاً تنوع کم شکل ظروف، ناشی از کم بودن نمونه‌های موجود است.

مشابهت‌های گونه‌شناسی سفال لویزان با سفال دیگر گورستان‌های عصر آهن منطقه

گورستان‌های مختلفی را از عصر آهن در محدوده شمال فلات مرکزی ایران می‌شناسیم که یافته‌های لویزان با یافته‌های

۴- این وضعیت احتمالاً حاکی از ساخت کارگاهی و در مقیاس انبوه این نوع سفال است. در واقع می‌توان حدس زد که این ظروف در کارگاه یا کارگاه‌هایی ساخته شده‌اند که در مقیاس وسیع و تجارتي به تولید این نوع ظروف برای افراد عادی جامعه می‌پرداخته‌اند. بافت و ترکیب نسبتاً یکسان، بی دقتی و عجله در پرداخت و تزیینات محدود ظروف نیز موید این موضوع است.

دهانه‌ای بازتر و عمقی کمتر دارند.

شبه‌ترین نمونه‌ها به قلع سه پایه لویزان (ظرف شماره ۳) از قیطره بدست آمده است (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۱۰۰ شماره‌های ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰). همچنین قدحی با شکل عمومی مشابه از جیران تپه در دست است که البته فاقد پایه‌های کوتاه لویزان است (مجیدزاده، ۱۳۸۲: ۱۴۷ تصویر ۱۴). باید اشاره کرد که کاسه‌ها و قدح‌های سه پایه در میان ظروف عصر آهن زیاد و متنوع هستند ولی بیشتر آنها پایه‌هایی بلند دارند و فقط در قیطره و لویزان پایه‌هایی کوچک و دکمه‌ای شکل برای قدح‌ها بکار رفته است.

استفاده از دو دکمه برجسته در سمت داخل قدح، فقط در لویزان (ظرف شماره ۴) و خورویین (Vanden Berghe, 1964: pl. XXVI, n; 197) دیده می‌شود و نظیر آن در هیچیک از گورستان‌های دیگر منطقه دیده نشده است.

متأسفانه کاسه آبریزدار بدست آمده از لویزان (ظرف شماره ۵) شکسته و ناقص است و نمی‌توان معلوم کرد که از نوع دسته دار بوده یا از نوع بدون دسته، با این وجود تعداد زیادی کاسه-های آبریزدار از نوع دسته دار و بعضاً بدون دسته از گورستان‌ها عصر آهن منطقه بدست آمده است که در میان آنها چند نمونه شباهت بیشتری با نمونه لویزان دارند (Vanden Berghe, 1964, pl. VI, n; 31؛ کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۸۶ عکس‌های ۱۱۴۶ و ۸۸۵؛ مجیدزاده، ۱۳۸۲: ۱۴۶، تصویر ۱۲ و ۱۴۷ تصویر ۱۳).

کوزه کوچک لویزان (ظرف شماره ۶) نمونه‌های مشابهی در قیطره و خورویین دارد (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۹۴ عکس ۱۸۶۹ و ۹۲ عکس ۹۱۴ و ۶۱ طرح ۱۰۹ شماره‌های ۱۸۶۹ و ۹۱۴؛ Vanden Berghe, 1964, pl. XVI, n; 131, 132). که در میان آنها نمونه شماره ۱۸۶۹ قیطره بیشترین شباهت را دارد و حتی طرح داغدار مشابهی با نونه لویزان نیز بر روی آن دیده می‌شود.

کوزه دسته‌دار لویزان را (ظرف شماره ۷) به جهت ناقص بودن و عدم امکان تشخیص شکل کامل آن، نمی‌توان به دقت با نمونه‌های مشابه دیگر مقایسه کرد زیرا نمی‌توان تشخیص داد که از نوع کوزه‌های لوله‌دار عصر آهن یا فقط کوزه‌ای ساده و

۵۶۴ و ۱۸۶۷) و خورویین (Vanden Berghe, 1964, pl. XVI, n; 124) دارد. کاسه لویزان کفی مدور و کمی برجسته دارد که البته در نمونه‌های قیطره شکل دقیق کف قابل تشخیص نیست؛ ولی مشابه این نوع کف را بر روی ظروفی دیگر در سیلک A (Ghirshman, 1939, pl. I, n; 2, 3) و خورویین (Vanden Berghe, 1964, pl. II, n; 1, 2, 3) می‌توان دید. همچنین در مجموعه‌ای کوچک از ظروف سفالین و اشیاء مفرغی عصر آهن که از منطقه شمیران بدست آمده‌اند و در موزه بریتانیا نگهداری می‌شوند^۹ دو کاسه وجود دارد که یکی از آنها بطور کامل و دیگری از نظر کف شباهت زیادی با نمونه لویزان دارند (Curtis, 1989: fig2, no. 2&3)

نظیر کاسه دسته دار لویزان (ظرف شماره ۲) که دسته‌ای حلقه‌ای و عمودی در زیر لبه دارد^{۱۰}، کاسه دیگری از جیران تپه بدست آمده است (مجیدزاده، ۱۳۸۲: ۱۴۹ تصویر ۱۷). البته نمونه لویزان ساده و بدون تزیین است در حالیکه در نمونه جیران تپه طرحی داغدار به شکل هاشور متقاطع در زیر لبه وجود دارد. در سیلک B هم از این نوع کاسه‌های یک دسته وجود دارد (Ghirshman, 1939, pl. LXV, S857c, S874b; pl. LXXI, S888f) ولی نمونه‌های سیلک نسبت به نمونه لویزان

۹- این مجموعه کوچک که شامل هفت ظرف سفالین خاکستری رنگ و سه شیء مفرغی است در سال ۱۹۰۰ م. توسط ارنست آملیوس رنی (Sir Ernest Amelius Rennie)، از کارکنان سفارت بریتانیا در ایران، در تپه‌ای نزدیک باغ سفارت بریتانیا در قلعه شمیران کشف و در سال بعد به موزه بریتانیا اهداء گردید و در نهایت توسط جان کرتیس معرفی شده است (Curtis, 1989). کرتیس معتقد است این مجموعه به گورستان عصر آهن قیطره تعلق دارد زیرا ظروف سفالین آن، به جز یک نمونه، مشابهی در میان ظروف قیطره دارند و از طرف دیگر در برکه ثبت این اشیاء، محل کشف آنها "تپه‌های شنی" (Sand Hills) نزدیک باغ سفارت ذکر شده است که با وضعیت و موقعیت گورستان قیطره مطابقت دارد (Curtis, 1989: 323, 326). البته وی اطلاع و توجه کافی نداشته است که در منطقه شمیران، گورستان‌های مختلفی از عصر آهن وجود دارد و از طرف دیگر در اطراف قلعه نیز "تپه‌های شنی" متعددی قرار دارد و اصولاً منطقه کوهپایه‌ای شمیران از این نوع تپه‌هاورها تشکیل شده است. بنابراین، در حال حاضر و با اطلاعات موجود نمی‌توان مجموعه مورد نظر را با اطمینان کافی به گورستان عصر آهن قیطره نسبت داد و بهتر آن است که محل کشف آن را فعلاً ناشناخته بدانیم.

۱۰- البته به علت شکستگی و ناقص بودن این ظرف نمی‌توان معلوم کرد که واقعاً یک دسته یا دو دسته داشته است، ولی با توجه به نمونه‌های مشابه عصر آهن به احتمال بسیار قوی فقط یک دسته داشته است.

دیگری نیز از عصر آهن وجود دارند که بر اساس فراین موجود مشابهت‌هایی با دو گورستان لویزان و قیطره دارند. ولی متأسفانه این گورستان‌ها توسط باستان‌شناسان و با روش‌های علمی شناسایی و کاوش نگردیده‌اند؛ بلکه اغلب آنها به طور تصادفی کشف شده و توسط افراد ناآگاه و بدون حضور باستان‌شناسان حفاری شده‌اند.^{۱۲} این امر باعث گردیده که از جزئیات این گورستان‌ها و مواد داخل آنها اطلاعات چندان زیادی در دست نباشد و از همین رو نمی‌توان یافته‌های لویزان را با یافته‌های این گورستان‌ها، که برخی از آنها از قیطره نیز به لویزان نزدیک‌تراند؛ مقایسه نمود. مهمترین و شناخته شده ترین این گورستان‌ها، گورستان دروس، گورستان بوستان پنجم^{۱۳} و گورستان پاسداران هستند. کامبخش فرد تعدادی از این گورستان‌ها را بطور گذرا معرفی نموده و اطلاعات او تقریباً تنها چیزی است که از بیشتر این گورستان‌ها می‌دانیم (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۲۵، ۱۱۷ و ۱۱۸). در این میان تنها از برخی سفال-های گورستان دروس (صمدی، ۱۳۳۴) و گورستان بوستان پنجم (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۱۷۱ عکس بالا)^{۱۴} شرحی مختصر و چند عکس در دست است که البته هیچیک از نمونه‌های منتشر شده با ظروف لویزان شباهت زیادی ندارند. همچنین مجموعه کوچکی را جان کرتیس معرفی کرده است که از نزدیکی باغ سفارت بریتانیا در قلعهک شمیران به دست آمده است و در حال حاضر در موزهی بریتانیا نگهداری می‌شود، کرتیس معتقد است این مجموعه به گورستان قیطره تعلق دارد (Curtis, 1989) ولی در این مورد نمی‌توان مطمئن بود.^{۱۵}

علاوه بر گورستان‌های عصر آهن شمیران، که فاصله کمی با گورستان لویزان دارند؛ چندین گورستان و محوطه استقرار

احتمالاً با دو دسته در دو طرف است. با این حال از نظر شکل عمومی بدنه و نوع تزیینات روی شانه (هاشور متقاطع) با کوزه-ای از قیطره (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۹۹، عکس شماره ۱۴۹۶) قابل مقایسه است.

همین مشکل، یعنی ناتوانی در تعیین شکل کامل ظرف، در مورد ظرف شماره ۸ لویزان نیز وجود دارد. این ظرف که احتمالاً شکلی کوزه مانند دارد؛ دارای یک نوار برجسته عمودی^{۱۱} است که نظیر آن در روی برخی از کوزه‌های قیطره نیز دیده می‌شود (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۸۸ عکس شماره ۱۴۱۲، ۸۹ عکس شماره ۱۹۷۵). ولی در هر حال امکان مقایسه کامل این ظرف با نمونه‌های مشابه وجود ندارد.

نظیر پایه بلند بدست آمده از لویزان (ظرف شماره ۹) در قیطره (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۵۱ تصویر ۹۴ شماره‌های ۱۵۵۷، ۸۸۳ و ۲۱۱۳)، خوروین (Vanden Berghe, 1964, pl.) و سیلک B (Ghirshman, 1939: Pl.) (XVI, n; 129, 130 و XVI, n. 8) و جیران تپه (مجیدزاده، ۱۳۸۲: ۱۴۶، تصویر ۱۲ و ۱۴۷، تصویر ۱۳) دیده می‌شود. بر روی نمونه‌های قیطره و سیلک B، سوراخ‌هایی همچون نمونه لویزان وجود دارد؛ در حالیکه نمونه‌های خوروین و جیران تپه صاف و بدون سوراخ هستند.

به این ترتیب ارتباطات گونه‌شناسی قابل توجهی میان سفال لویزان با سفال گورستان‌های عصر آهن شمال فلات مرکزی دیده می‌شود. در این میان ارتباط گونه‌شناسی میان لویزان با قیطره قوی‌تر از بقیه موارد است و این وضعیت با موقعیت و فاصله کم میان این دو محل نیز مطابقت دارد. در واقع فاصله میان لویزان و قیطره بیش از ۴ کیلومتر نیست و این فاصله کم آنها را در یک حوزه جغرافیایی و فرهنگی واحد قرار می‌دهد. این حوزه جغرافیایی - فرهنگی، منطقه شمیران امروزی در شمال تهران را شامل می‌شود که منطقه‌ای کوهپایه‌ای در دامنه‌های جنوبی رشته کوه‌های البرز است و هر دو گورستان لویزان و قیطره بر روی تپه ماهورهای همین منطقه قرار دارند. از این گذشته در منطقه شمیران، گورستان‌های

۱۲- متأسفانه در حال حاضر نیز به جهت گسترش شهر تهران و ساخت و سازهای فراوان دیگر تقریباً امکان کاوش این محوطه ها وجود ندارد.

۱۳- البته از سفال گورستان بوستان پنجم فقط یک عکس در دست است که در آن تعداد ۱۸ ظرف سفالین دیده می‌شود، ولی متأسفانه این عکس وضوح زیادی ندارد و امکان تشخیص جزئیات شکل و خصوصیات دیگر ظروف وجود ندارد.

۱۴- البته از سفال گورستان پنجم فقط یک عکس در دست است که در آن تعداد ۱۸ ظرف سفالین دیده می‌شود ولی متأسفانه این عکس وضوح زیادی ندارد و امکان تشخیص جزئیات شکل و خصوصیات دیگر ظروف وجود ندارد.

۱۵- به یادداشت شماره ۹ مراجعه کنید.

۱۱- به زیر نویس شماره ۳ مراجعه شود.

لویزان و قیطره زیاد خواهد بود ولی در حال حاضر به دلیل عدم آشنایی و شناخت کافی از سفال کهریزک چنین امری قابل بررسی و پیگیری نیست.

در کاوش‌های تپه معمورین واقع در جنوب تهران نیز، آثار و بقایایی از استقرارهای عصر آهن بدست آمده است (مهرکیان، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵) ولی در حال حاضر اطلاعات چندانی در مورد سفال این محوطه منتشر نشده است. همچنین محوطه استقراری مهم دیگری به تازگی در اطراف قم کاوش گردیده که دربردارنده بقایای استقراری عصر آهن است. این محوطه که قلی درویش خوانده می‌شود؛ در حاشیه جنوب غربی شهر قم قرار گرفته و آثاری از دوران پیش از تاریخ تا دوره اسلامی را در خود دارد که در این میان استمرار فرهنگی از عصر مفرغ تا عصر آهن (I، II و III) بصورتی پیوسته در آن دیده می‌شود (سرلک و عقیلی نیایی، ۱۳۸۳: ۵۹ و ۷۱) ولی متأسفانه سفال‌های چندانی از عصر آهن این محل معرفی نشده است و در حال حاضر امکان مقایسه‌ای همه جانبه میان سفال‌های آن با سفال لویزان وجود ندارد.^{۱۶}

در دشت قزوین نیز دو محوطه کاوش شده عصر آهن وجود دارد که در نزدیکی هم قرار دارند. یکی از آنها تپه سگزآباد که محوطه‌ای استقراری مربوط به عصر مفرغ و عصر آهن است (ملک شه میرزادی، ۲۵۳۶؛ طلایی، ۱۳۷۸؛ Tala'i, 1981) و در میان معدود سفال‌های منتشر شده عصر آهن آن، مشابهت‌های چندانی با سفال لویزان دیده نمی‌شود و این موضوع به احتمال قوی به تفاوت کاربردی این دو محل باز می‌گردد. محوطه دیگر تپه قبرستان است که در اصل یک محوطه پیش از تاریخی است که در عصر آهن گورستانی بر سطح آن ایجاد شده است (ملک زاده، ۲۵۳۶). در میان معدود سفال‌های منتشر شده از این گورستان، تنها دو قده دیده می‌شود (ملک زاده، ۲۵۳۶، شکل- ۳) مشابهت دارند ولی از نظر نوع لبه و فقدان پایه با آن متفاوت

دیگری در اطراف تهران وجود دارد که متعلق به عصر آهن هستند و از نظر گونه‌شناسی سفال و گاهنگاری احتمالاً روابطی با گورستان لویزان دارند. ولی متأسفانه از اغلب این محوطه‌ها گزارش و اطلاعاتی دقیق و کامل در دست نیست و به همین جهت امکان مقایسه دقیق یافته‌های لویزان با یافته‌های این محوطه‌ها وجود ندارد.

یکی از این محوطه‌ها گورستان عصر آهن پیشوای ورامین است که در مقاله‌ای کوتاه معرفی شده است و در میان معدود سفال‌های منتشر شده آن، نمونه‌های قابل مقایسه با سفال لویزان دیده نمی‌شود (تهرانی مقدم، ۱۳۷۶). علاوه بر این در کاوش‌های تپه پردیس ورامین نیز چندین گور عصر آهن کاوش گردیده است (Fazeli, 2007: 271-2). از تپه باستانی "سفالین" در پیشوای ورامین نیز سفال‌های عصر آهن گزارش شده است (حصاری و اکبری، ۱۳۸۶). در ایوانکی نزدیک پیشوا گورستان دیگری متعلق به عصر آهن وجود داشته که مورد کاوش غیر مجاز قرار گرفته و از یافته‌های آن چیزی در دست نیست (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۱۱۸). همچنین به تازگی، گورستان عصر آهن صرم در ۱۲ کیلومتری جنوب غرب قم مورد کاوش باستان‌شناسی قرار گرفته و تعداد ۸۰ گور در آن شناسایی شده است (سرلک، ۱۳۸۲: ۱۳۱-۱۳۰) ولی متأسفانه از سفال این محوطه مهم که گفته می‌شود از نظر تنوع و تعداد حایز توجه هستند؛ تاکنون نمونه‌هایی منتشر نشده است.

محوطه مهم دیگر، کهریزک در جنوب بهشت زهراست که بنا بر شواهد و قراین موجود، محوطه‌ای صنعتی جهت ساخت ظروف سفالین خاکستری رنگ عصر آهن بوده است. کامبخش فرد در این محوطه باستانی چندین کوره سفالپزی و قطعات شکسته و جوش کوره سفال‌های خاکستری رنگ عصر آهن را یافته و معتقد است که این محل مرکز تولید این نوع سفال بوده (کامبخش فرد، ۱۳۷۰: ۱۴۴-۱۴۱ و ۱۵۵-۱۴۹). ولی متأسفانه وی طرح‌ها و عکس‌های چندانی از سفال کهریزک منتشر نکرده است و از این رو امکان مقایسه یافته‌های لویزان با یافته‌های کهریزک وجود ندارد. در صورتی که کهریزک مرکز تولید و صدور سفال خاکستری عصر آهن در منطقه باشد؛ احتمال وجود ارتباطات گونه‌شناسی میان سفال آن با سفال محوطه‌هایی نظیر

۱۶- البته باید توجه داشت که امکان مقایسه همه جانبه میان سفال لویزان با سفال محوطه‌هایی نظیر قلی درویش و معمورین وجود ندارد، زیرا که لویزان یک گورستان عصر آهن و این تپه‌ها محوطه‌هایی استقراری هستند و طبعاً میان مواد فرهنگی آنها از جمله سفال تفاوت‌هایی وجود خواهد داشت.

هستند.

سفال آن با سفال گورستان قیطره، می‌توان تاریخی مشابه یعنی عصر آهن I و II را پیشنهاد کرد. باید توجه داشت که در حال حاضر تنها مبنای تاریخگذاری برای این گورستان مشابهت‌های گونه‌شناسی سفال آن است و این یک تاریخ‌گذاری تخمینی و کلی است.

- در مجموع به نظر می‌آید شباهت‌های محکم و زیادی میان گورستان‌های عصر آهن کوهپایه‌های جنوبی رشته کوه‌های البرز در منطقه دیده می‌شود و می‌توان این گورستان‌ها را متعلق به مردمانی با فرهنگ مشترک دانست. تاکنون دلایل این شباهت‌ها و اشتراک فرهنگی، عمدتاً بر پایه گونه‌شناسی سفال و تا حدودی شیوه‌ی تدفین بوده ولی برای اثبات این موضوع نیاز به مطالعاتی جدید و مدارکی همه‌جانبه و قابل سنجش است. در این میان گورستان عصر آهن لویزان اهمیت ویژه‌ای دارد و اگرچه دانسته‌های ما از آن بسیار محدود است ولی باید توجه داشت که این گورستان شاید تنها گورستان عصر آهن منطقه باشد که هنوز امکان کاوش علمی آن وجود دارد. گورستان‌های دیگر به واسطه توسعه شهری و عوامل دیگر تقریباً از بین رفته و غیر قابل کاوش هستند در حالی که گورستان لویزان به واسطه قرار گرفتن در محدوده‌ی حیاط امام زاده پنج تن، تقریباً دست‌نخورده است. امید است با برنامه‌ریزی دقیق و کاوش هدفمند گورستان لویزان در آینده، اطلاعاتی ارزشمند از مردمان عصر آهن منطقه بدست‌آید.

سپاسگزاری

در اینجا لازم است از خانم دکتر چوبک که اجازه مطالعه سفال‌های گردآوری شده از گورستان لویزان را به نگارنده داده‌اند؛ تشکر نمایم.

به این ترتیب و با وجود کاستی‌های موجود در داده‌ها و اطلاعات در دسترس، در حال حاضر پیوندها و ارتباطات گونه‌شناسی میان سفال لویزان با گورستان‌های عصر آهن منطقه به قدری است که می‌توان گورستان واقع در لویزان را، به عنوان یکی دیگر از گورستان‌های عصر آهن منطقه معرفی کرد و آن را در زمره دیگر گورستان‌های عصر آهن منطقه شمیران همچون، قیطره، پاسداران و بوستان پنجم قرار داد.

برآیند

اگر چه دانسته‌ها و یافته‌های ما در حال حاضر از گورستان عصر آهن لویزان محدود و ناقص است ولی می‌توان در مجموع به مواردی دست یافت:

- این گورستان از نظر موقعیت و وضعیت محلی همچون اغلب گورستان‌های عصر آهن منطقه، بر روی دامنه‌های تپه‌ای طبیعی ایجاد شده است و با توجه به فراین موجود، به احتمال قوی همچون این گورستان‌ها دارای گورهای ساده و چاله‌ای است که در ایجاد آنها از مصالحی نظیر سنگ استفاده نشده است.

- در اطراف گورستان لویزان، همچون دیگر گورستان‌های عصر آهن واقع در کوهپایه‌های منطقه، نشانه‌ای از محوطه استقرار همزمان دیده نمی‌شود.

- سفال گورستان لویزان شباهت‌های گونه‌شناسی قابل توجهی با سفال گورستان‌های عصر آهن منطقه و خصوصاً دو گورستان قیطره و خوروین دارد و از این نظر در محدوده فرهنگی مشترکی با این گورستان‌ها قرار می‌گیرد.

- برای گورستان لویزان با توجه به شباهت‌های گونه‌شناسی

منابع

الف) فارسی

چوبک، حمیده، ۱۳۷۲، *گورستان لویزان*، بایگانی اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان تهران، شماره ۸۳۴، (گزارش چاپ نشده).

تهرانی مقدم، احمد، ۱۳۷۶، *گورستان هزاره‌ی اول قبل از میلاد پیشوا، یادنامه گردهمایی باستان‌شناسی - شوش*، جلد اول، سازمان میراث فرهنگی، صص ۶۲ - ۵۳.

کامبخش فرد، سیف الله، ۱۳۷۰، تهران سه هزار و دویست ساله بر اساس کاوش های باستان شناسی، نشر فضا.

_____، ۱۳۸۰، نگاهی به تهران در سه هزار سال پیش، سازمان میراث فرهنگی، معاونت معرفی و آموزش.

کوشانفر، یزدان، ۱۳۷۳، بازدید کارشناسی از امام زاده های شمیرانات، بایگانی اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان تهران (گزارش چاپ نشده).

مجیدزاده، یوسف، ۱۳۸۲، گزارش سومین فصل حفاریات در محوطه باستانی ازبکی، سازمان میراث فرهنگی، پژوهشگاه باستان شناسی.

مصطفوی، سید محمد تقی، ۱۳۶۱، آثار تاریخی طهران، مجلد اول، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی ۱۵۳، تنظیم و تصحیح میر هاشم محدث.

ملک زاده، فرخ، ۲۵۳۶، گزارش مقدماتی حفاری ترانسه E تپه قبرستان (فصل حفاری ۱۳۵۱)، مجله مارلیک، شماره ۲، صص ۸۰-۷۳.

ملک شه میرزادی، صادق، ۲۵۳۶، گزارش مقدماتی فصل اول و دوم حفاری تپه سگزآباد (سال های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰)، مجله مارلیک، شماره ۲، صص ۹۸-۸۱.

مهرکیان، جعفر، ۱۳۷۴، افق نوین در پژوهش های فرهنگ سفال خاکستری، مجله میراث فرهنگی، شماره ۱۳، صص ۷۵-۷۴.

_____، ۱۳۷۵، پژوهش در معماری نوشناخته فرهنگ سفال خاکستری در تپه معمورین، مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد سوم، سازمان میراث فرهنگی کشور، صص ۳۵۶-۳۴۵.

واندنبرگ، لوئی، ۱۳۳۸، دومین و سومین گزارش گمانه زنی و کاوش در چند تپه ماقبل تاریخی مرودشت - خفرک - توابع و گورستان

حاکمی، علی، ۱۳۲۹، چگونگی کاوش های مختصر گنج تپه و تپه های اطراف خوروین و آجین دوجین، گزارش های باستان شناسی، مجلد اول، قسمت چهارم، صص ۱۶-۱.

حصاری، مرتضی؛ اکبری، حسن، ۱۳۸۶، گزارش مقدماتی کاوش محوطه باستانی سفالین پیشوا، گزارش های باستان شناسی، شماره ۷، جلد اول، پژوهشگاه باستان شناسی، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، صفحه ۲۰۰-۱۶۵.

سرلک، سیامک، ۱۳۸۲، عوامل موثر در شکل گیری انواع معماری قبور و شیوه های تدفین در گورستان عصر آهن تپه صرم - کهک، قم، گزارش های باستان شناسی، شماره ۲، سازمان میراث فرهنگی کشور، صص ۱۶۳ - ۱۲۹، اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی و پژوهشگاه باستان شناسی.

_____ و عقیلی نیاکی، شیرین، ۱۳۸۳، گزارش لایه نگاری محوطه باستانی قلی درویش جمکران - قم، گزارش های باستان شناسی، شماره ۳، پژوهشگاه باستان شناسی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور، صص ۹۶ - ۵۹.

صمدی، حبیب الله، ۱۳۳۴، اطلاعات اجمالی درباره چند ظرف مکشوفه در دروس شمیران، فصلی از مجلد سوم «گزارش های باستان شناسی».

طلایی، حسن، ۱۳۷۸، نو یافته های معماری عصر مفرغ جدید، در تپه سگزآباد قزوین، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری، شهرسازی ایران، جلد دوم، سازمان میراث فرهنگی کشور، صص ۳۵۶ - ۳۴۳.

فهیمی، حمید، ۱۳۸۲، عصر آهن در سیلک: گزارش مقدماتی بررسی سفال های عصر آهن سیلک، نقره کاران سیلک، گزارش فصل دوم طرح بازنگری سیلک (به کوشش صادق ملک شه میرزادی)، سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشگاه باستان شناسی، صص ۱۲۷-۷۹.

کامبخش فرد، سیف الله، ۱۳۴۸، کاوش در قبور باستانی قیطره، باستان شناسی و هنر ایران، شماره دوم، صص ۶۸-۵۸.

واندنبرگ، لوئی، ۱۳۴۵، *باستان شناسی ایران باستان*، ترجمه عیسی بهنام، انتشارات دانشگاه تهران.

خوروین، ترجمه جواد کامبیز، گزارش های باستان شناسی، مجلد چهارم، صص ۳۳۱-۲۷۹، به علاوه چند عکس و طراحی.

(ب) غیرفارسی

Curtis, J., 1989, A Grave – Group from Qeytariyeh Near Tehran (?), in: *Archaeologia Iranica et Orientalis in Honorem Louis Vanden Berghe*, L. de Meyer et E. Haerinck (eds.), Vol.1, Gent, pp.323-333.

Mousavi, A., 2001, La Region de Tehran a l' Aube de L' Age du Fer: Reflexions et commentaries sur Les Necropoles du Iie Millénaire AV.J-C, *Iranica Antiqua*, Vol. XXXVI, pp. 151-212.

Fazeli, H., Coningham, R. A. E., Young, R. L., Gillmore, G. K., Maghsoudi, M., & Raza, H., 2007, Socio – Economic Transformations in the Tehran Plain: Final Season of Settlement Survey and Excavations at Tepe Pardis, *IRAN*, Vol. XLV, pp. 267-285.

Tala'i, H., 1981, Late Bronze age and Iron age I architecture in Sagzabad – Qazvin plain – the central plateau of Iran, *Iranica Antiqua*, Vol. 18, pp. 51-57.

Vanden Berghe, L., 1964, *La Ne'cropole de Khurvin*, Istanbul.

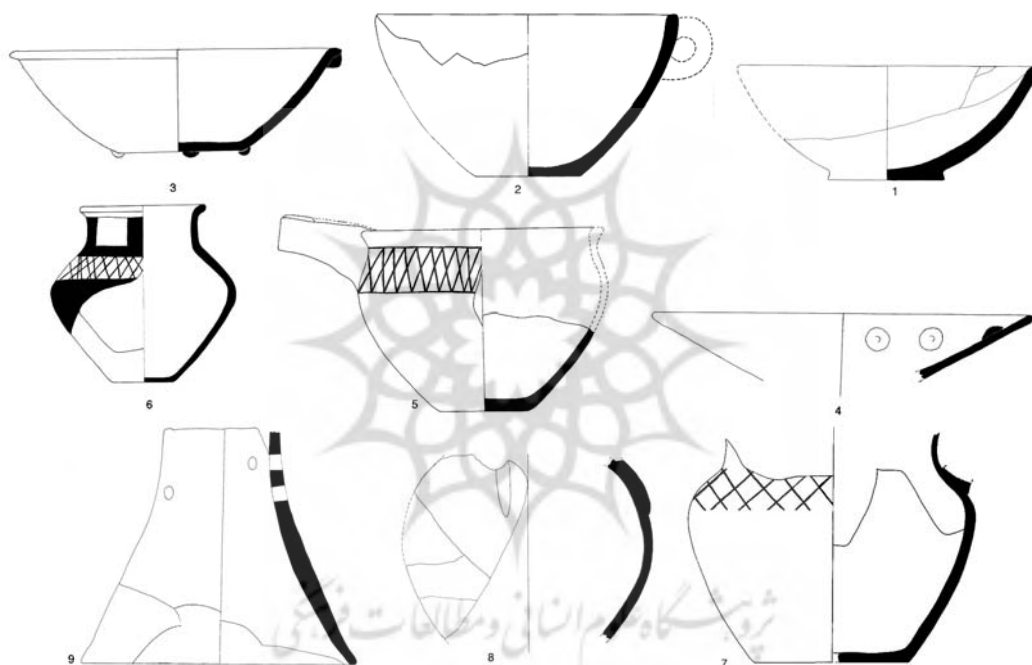
Ghirshman, R., 1939, *Fouilles de Sialk pre's de Kashan*, Vol. II, Paris.





تصویر ۲: امامزاده پنج تن لویزان (به نقل از کوشانفر، ۱۳۷۳: ۴۱).

تصویر ۱: امامزاده پنج تن لویزان (به نقل از مصطفوی، ۱۳۶۱: ۲۵۱).



تصویر ۳: سفال گورستان عصر آهن لویزان (مقیاس: ۱، ۲، ۳، ۶، ۷، ۸ و ۹=۶-۱:۴ و ۵=۱:۸).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز باستان‌شناسی
پایان کارشناسی ارشد